

توزیع فضایی فقر شهری در شهر کرمانشاه

شهریور روستایی*، محسن احدنژاد روشتی**، اکبر اصغری زمانی***، علیرضا زنگنه****

مقدمه: از ویژگی‌های کشورهای جهان سوم، نبود تعادل در شهرنشینی و تمرکز بسیار بر آن است؛ بنابراین، برای ایجاد تعادل و به منظور دستیابی به الگوی مناسب، بحث برنامه‌ریزی منطقی مطرح می‌شود. هدف از این برنامه‌ریزی، شناخت نابرابری‌های اقتصادی اجتماعی و فرهنگی و نیز ایجاد توازن در نواحی شهری مختلف است. با شناخت نارسایی‌ها و کمبودها، در سطح بلوک‌های شهر، باید اقدامات مصرانامی برای رفع نابرابری‌ها انجام داد.

روش: تحلیل در زمینه توزیع فضایی فقر، در مناطق مختلف شهری، اهمیت فراوانی دارد؛ از این رو هدف مقاله حاضر، ارائه تحلیلی از توزیع فضایی فقر و نشان دادن نابرابری در سطح بلوک‌های آماری شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۵ است. در این مقاله، روش پژوهش کمی، سطح آن تحلیلی و ماهیت آن کاربردی است. برای سنجش توزیع فضایی فقر در کرمانشاه، از اطلاعات بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵ و ۳۳ شاخص استفاده کرده‌ایم. در نهایت، این ۳۳ شاخص را با روش تحلیل عاملی، بر روی ۴ عامل بار می‌کنیم.

یافته‌ها: بنا به نتایج، ضریب اختلاف در عامل اول (اقتصادی، کالبدی، فرهنگی و اجتماعی) ۳۸/۹۵ درصد است که بیش‌ترین نابرابری در توزیع شاخص‌ها را دارد. ضریب اختلاف در عامل‌های دوم (اقتصادی) و سوم (عامل اقتصادی کالبدی) ۳۲/۹۶ درصد است که در مقایسه با شاخص‌های دیگر، متجانس تر است. عامل چهارم (کالبدی) نیز از لحاظ نابرابری در توزیع شاخص‌ها با ۲۸/۸۱ درصد در مرتبه دوم قرار دارد. با تلفیق ۴ عامل با همدیگر، به این نتایج دست یافتیم: تعداد ۱۶۸۷ بلوک معادل ۲۱ درصد بسیار فقیر، ۱۷۴۴ بلوک معادل ۲۲ درصد فقیر، ۲۳۹۲ بلوک معادل ۲۹ درصد متوسط، ۱۶۵۳ بلوک معادل ۲۰ درصد مرفه، ۶۱۲ بلوک معادل ۸ درصد بسیار مرفه‌اند.

نتایج: نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بین بلوک‌های شهر کرمانشاه نابرابری وجود دارد؛ به‌طوری‌که مکانی برای تبلور تمایزات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است. فرصت‌های نابرابر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، باعث تمایز بین ساکنان شهر کرمانشاه شده است.

کلید واژه‌ها: توزیع فضایی، فقر، کرمانشاه.

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱/۱۲

* دکتر جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز

** دکتر جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان، <ahadnejad@gmail.com> (نویسنده مسئول)

*** دکتر جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان

**** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان

مقدمه

در دهه‌های گذشته، رشد شهرنشینی و شهرگرایی، در کشورهای در حال توسعه، شتابان بوده است (Masika, 2001). شهرنشینی، یکی از دستاوردهای بزرگ فرهنگ و تمدن و یکی از پدیده‌های فراگیر اجتماعی در عصر حاضر به‌شمار می‌رود. شهرنشینی پیامدهای زیر را به‌همراه داشته است: نابرابری‌های اجتماعی، فقر، افزایش فساد و جرم و جنایت، بحران‌های زیست‌محیطی، نابرابری و اختلاف طبقاتی، نبود رفاه اجتماعی، مرگ‌ومیر زودرس در کودکان و مادران، بدمسکنی و بی‌مسکنی، اسکان غیر رسمی و... این پیامدها، در کشورهای در حال توسعه، با سرعت و حجم بیش‌تری در حال گسترش است.

رویکرد کاهش فقر، از نیمهٔ دوم قرن گذشته و در واکنش به وضعیت دشوار ادراکی ناشی از پیچیدگی‌های توسعه پدید آمده است (رفعیان، راد، ۱۳۸۷). کاهش نابرابری در بهره‌مندی از منابع، دستاوردها و امکانات جامعه، یکی از معیارهای مهم و اساسی توسعه به‌شمار می‌رود (تقوایی و رحمتی، ۱۳۸۵). از این لحاظ، ارزیابی الگوهای مختلف در زمینه سکونت شهری و رضایت‌مندی ساکنان آن، یکی از ابعاد مهم مطالعات شهری در دهه‌های اخیر است (Jelin Kovaz, 1984).

فقر نتیجهٔ نابرابری زیاد اقتصادی اجتماعی است (صادقی و مسائلی، ۱۳۸۷). فقر پدیده‌ای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است که از نبود حداقل‌های نیاز انسانی یا ناتوانی در تأمین آن، ناشی می‌شود. فقیر کسی است که قابلیت و توانایی کافی برای تأمین نیازهای اساسی زندگی ندارد (راغفر و صانعی، ۱۳۸۹). فقر حاصل نابرابری زیاد اجتماعی است (هادی زوز، ۱۳۷۹). از این منظر، مناطق شهری را تضادهای اقتصادی و اجتماعی مشخص می‌کند (Moser, 1996). این تضادها باعث شکل‌گیری نابرابری در توزیع فضایی امکانات در سطح بلوک‌های شهر می‌شود و به نوعی، به نابرابری فضایی می‌انجامد. به دلیل رشد فقر شهری و عمیق‌تر شدن شکاف طبقاتی در شهرهای بزرگ، گروه‌های کم درآمد در قالب اجتماعات محلی و در فضاهای جغرافیایی خاص شکل گرفته‌اند. این گروه‌ها از روند کلی توسعه برکنار مانده و به اصطلاح، به حاشیه رانده شده‌اند (ایراندوست، ۱۳۸۷).

بررسی وضعیت فقر در هر جامعه و آگاهی از آن، اولین قدم در برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است (عرب مازار و حسینی‌نژاد). سنجش فقر به درکی از روند تحولات فقر منجر می‌شود و در طول زمان، تصویری منسجم از فقر ارائه می‌دهد (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶)؛ در نتیجه، برنامه‌ریزان می‌توانند تصمیمات لازم را اتخاذ کنند و اقدامات لازم را انجام دهند. شناخت پیچیدگی روابطی که اکنون بر زندگی شهری و فضای شهرها حاکم است، از نخستین وظایفی است که در تدوین برنامه‌های توسعه باید به آن توجه کرد. در این پژوهش، براساس اطلاعات آماری موجود، توزیع فضایی فقر در شهر کرمانشاه را بررسی می‌کنیم؛ از این‌رو هدف از انجام تحقیق، بررسی توزیع فضایی فقر با استفاده از شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است. همچنین درصددیم نابرابری‌های فضایی و مکانی در بین بلوک‌های شهر کرمانشاه را نشان دهیم.

مبانی نظری

درباره شناخت پدیده فقر، به ویژه فقر شهری و نیز مقابله با آن، نظریات مختلفی ارائه کرده‌اند که در ادامه، به اختصار، بیان می‌کنیم.

رویکردهایی در تحلیل فقر شهری

نظریه نئوکلاسیک: از دهه ۱۹۶۰ به بعد، با احیای مکتب نئوکلاسیک و نیز ایجاد مکتب پولی، نظام سرمایه‌داری لیبرال جانی تازه گرفت. گروهی از طرفداران مکتب نئوکلاسیک، در دهه‌های اخیر، از توزیع مجدد درآمد به نفع فقیران جانبداری می‌کنند؛ اما اغلب آن‌ها مدعی‌اند که سیستم قیمت‌ها، خود، موجب گسترش فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد فقیران خواهد شد. اقتصاددانان مکتب پولی، در اصول، با نئوکلاسیک‌ها خویشاوندی نزدیک دارند؛ اما اغلب با چشم‌پوشی از موضوع توزیع درآمد، آرزو می‌کنند که این موضوع، هرگز مطرح نشود. آن‌ها با این ادعا که فلاسفه درباره ماهیت توزیع بهینه درآمد

توافق ندارند، نتیجه می‌گیرند که از کارشناس اقتصادی کاری ساخته نیست و بهتر است همه چیز را به حال خود بگذارند (فراهانی فرد، ۱۳۸۴).

در این رویکرد، فرد کانون توجه است. هدف نیز، در این دیدگاه، مبتنی بر سود شخصی است و هرکس مسئول اعمال خود خواهد بود (Duclos and Araar, 2006). در واقع، فقیران باید صبر کنند تا عرضه و تقاضای بازار، آن‌ها را در مفهوم تعادل کلی و در بلند مدت دربر گیرد (رئیس‌دانا، ۱۳۷۹). تاجریسم و ریگانیسم، از تبعات این نوع نگاه و رجعت به اقتصاد کلاسیک است. نومحافظه‌کاری یا نئولیبرالیسم در برابر عدالت اجتماعی قرار گرفته و حتی جایگزین آن شده است (شکوئی، ۱۳۷۳).

دولت رفاه و مقوله فقر

ایده اصلی دولت رفاه را جان مینارد کینز، اقتصاددان امریکایی، با وام‌گیری از نظریات جان استوارت میل و مکتب فایانیسم مطرح کرد. کینز در سال ۱۹۳۶، در کتاب نظریه عمومی اشتغال، پول و بهره اساس این تحول را بنیان نهاد؛ از این‌رو او را پایه‌گذار اقتصاد جدید می‌نامند. پیروان کینز مانند هارود و دومار و رابینسون، با استفاده از اصول کلی او، الگوی رشدی برای کشورهای اروپایی ترسیم کردند؛ سپس برخی اقتصاددانان توسعه مانند رودن، نورکس، لوئیس، روستو و هیرشمن این نظریه را به تدریج به مسائل اقتصادی کشورهای تازه استقلال یافته تسری دادند (فراهانی فرد، ۱۳۸۴؛ شکوئی، ۱۳۷۸).

دولت رفاه از یک طرف واکنشی بود بر رکود اقتصادی جهان سرمایه‌داری و از طرف دیگر به ترس از موج رو به گسترش سوسیالیسم و فتوحات آن در جهان سوم و حتی در کشورهای اروپای شرقی. در واقع در این نوع حکومت با سوسیالیزه کردن سرمایه‌داری آن را از سقوط رهان‌دند. در دولت رفاه نقش دولت در ایجاد تعادل‌های اقتصادی عمده می‌شود و با نظام تأمین اجتماعی گسترده، حمایت قابل توجهی از سوی دولت در مواجهه با مسئله فقر و بیکاری و نوسانات اقتصادی انجام می‌شود. آموزش و پرورش رایگان، پرداخت حقوق

رایگان، پرداخت حقوق به بیکاران و ملی کردن صنایع بزرگ از جمله اقدامات در این زمینه بود. دولت حزب کارگر در انگلستان و نظام حکومتی اکثر کشورهای اسکاندیناوی، با این نظریه اداره می‌شود (علیزاده، ۱۳۸۱). مارکسیست‌ها دولت رفاه را برای حفظ نظام سرمایه‌داری ضروری می‌دانند، درحالی‌که نظریه پردازان کارکردگرا معتقدند که در جوامع پیشرفته ی صنعتی نظام‌های رفاهی به ادغام و یکپارچگی جامعه یاری می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۶).

دیدگاه بوم‌شناسی (اکولوژی) شهری درباره فقر

جانبداران این دیدگاه، فقر در نواحی شهری نظیر گنوها را به پستی ژن ساکنان آن نواحی نسبت داده‌اند. نظریه‌پردازان این گروه معتقدند که حتی اگر گروه‌های مهاجر قومی و نژادی دیگری نیز در این محله‌ها ساکن شوند، این نواحی باز هم فقیر باقی خواهد ماند؛ بنابراین مشکل این محله‌های فقیرنشین، نواحی خاص آن‌هاست، نه افرادی که در این نواحی ساکن‌اند (افروغ، ۱۳۷۷).

دیدگاه رادیکال

در دیدگاه رادیکال، فقر به‌طور ریشه‌ای ناشی از اوضاع ساختار اقتصاد سیاسی است که در ارتباط‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی متبلور می‌شود. براساس این دیدگاه، مشارکت همگانی و حرکت برای آزادی، دموکراسی، رفاه و عدالت، زمینه را برای به قدرت رسیدن دولت‌هایی با سوگیری توسعه همگانی و مهار ریشه‌ای فقر فراهم می‌آورد (رئیس دانا، ۱۳۷۹). جغرافیای رادیکال، با بهره‌گیری از سنت انتقادی رادیکال، نقدی محکم بر تفکرات جغرافی‌دانان لیبرال اروپایی و امریکایی وارد می‌سازد؛ چراکه نتوانسته‌اند مسائل جغرافیایی را ریشه‌یابی اساسی کنند (شکوئی، ۱۳۸۲). امروزه، به علت معضلاتی مانند فقر، بیماری، بیکاری و آلودگی ناشی از جهان سوم، نظریات اجتماعی ارائه شده درباره شهرنشینی و شهرگرایی، از رادیکالیسم تأثیر بیشتری می‌پذیرد (شکوئی، ۱۳۷۳). جانبداران این دیدگاه، با بررسی ساختارهایی که فقر را به وجود می‌آورد، درصدد مقابله ریشه‌ای با مسائل پدید آورنده فقر هستند.

نظریه کارکردگرایی و فقر

کارکردگرایی نظریه‌ای کاملاً محافظه‌کارانه محسوب می‌شود. این نظریه، در تحلیل آسیب‌های اجتماعی، ضمن پذیرش وضع موجود یا هنجارهای حاکم، دشواری‌ها و آسیب‌های اجتماعی را ناشی از مشکلات افراد قلمداد می‌کند. به همین دلیل، مثلاً در تحلیلی از تأثیر فقر بر رشد و شیوع بیش‌تر آسیب‌های اجتماعی، مشکل را عمدتاً متوجه فقر فرهنگی می‌داند؛ فقر فرهنگی به معنای مجموعه عواملی همچون بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین، تمایل نداشتن به استفاده از امکانات متوسط زندگی شهری و... است؛ بنابراین به وضعیت اجتماعی در محله‌های فقیرنشین و توزیع ناعادلانه امکانات در شهر و روستا، توجه چندانی نمی‌کند (مدنی، ۱۳۷۹).

نظریه تعارض‌گرا و فقر

تعارض‌گرایان جامعه را سرشار از تضاد و تنازع گروه‌های مختلف بر سر قدرت و ثروت و منزلت می‌دانند. آنان معتقدند، نظم اجتماعی موجود، حاصل تفوق یکی از دو سوی تعارض بر دیگری است. از نظر تعارض‌گرایان، تضاد و تعارض، نه تنها اجتناب‌ناپذیر است، بلکه گاهی نیز مفید و عامل رشد و ارتقاء جامعه است (مدنی، ۱۳۷۹).

نظریه فقر و عدالت اجتماعی

دیوید هاروی از جمله نظریه‌پردازانی است که از حوزه جغرافیا به مطالعات شهری روی آورده است. به عقیده هاروی، شهر در نهایت حاصل نوعی نابرابری در توزیع درآمدهاست که آنرا نظریه مازاد اقتصادی می‌نامد. مازاد اقتصادی هاروی، همان‌گونه که خود می‌گوید، با تعریف مارکس از ارزش افزوده، انطباقی کمابیش کامل دارد. با این تفاوت که هاروی این مازاد را نه فقط موتوری برای شکل‌گیری شهرها، بلکه انگیزه و عاملی برای افزایش نابرابری‌ها و در نتیجه، تنش در آن‌ها می‌بیند؛ از این‌رو بر آن است که شهرها در سیر تحول

خود، گرایشی ناگزیر به سوی ایجاد خشونت و تعارض درون خود دارند. این تعارض، در آن واحد، هم به دلیل نابرابری میان اقشار اجتماعی و هم به دلیل نابرابری میان مناطق مختلف زیستی است. نیز در اثر توسعه و توزیع نابرابر ثروت در این مناطق به وجود می‌آید. به عقیده هاروی، تنها راه چاره، ایجاد عدالت اجتماعی در شهرها از طریق تبیین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و توزیع عقلانی و منطقی ثروت است (فکوهی، ۱۳۸۳).

هاروی باز توزیع ثروت را لازم می‌داند و می‌نویسد: «به‌طور عموم، این عقیده را پذیرفته‌اند که نوعی باز توزیع یا توزیع بهتر درآمد، ضروری است؛ زیرا همواره عده‌ای به دلایل مختلف مانند بدشانسی، تشخیص نادرست، کهولت یا ضعف جسمانی، نمی‌توانند وسایل معاش کافی را از طریق معمول تحصیل کنند. البته اینکه باز توزیع به چه نسبتی انجام شود، مسئله‌ای اخلاقی است که جوامع گوناگون، در زمان‌های مختلف، پاسخ‌هایی گوناگون به آن داده‌اند» (۱۳۷۶). در پایان، گفتنی است که در پیرامون جامعه، شاهد نابرابری‌های عظیم در قدرت سیاسی، پایگاه اجتماعی و تجاوز به منابع اقتصادی هستیم. عدالت اجتماعی کیفیتی آشکار در کاهش این نابرابری‌هاست و طی فرایندی، به اعاده برابری‌ها می‌انجامد (شکویی، ۱۳۸۶). برای از بین بردن ریشه‌ای فقر، باید نظام توزیع را به گونه‌ای تغییر دهیم که هم عدالت اجتماعی در آن، رعایت شود و هم موجب نفی استثمار شود (درکوش، ۱۳۸۶).

بنابراین، دیدگاه‌ها متنوع است و مکاتب مختلف، با دیدی متفاوت، مسئله فقر را بررسی کرده‌اند. در این مقاله، با رویکرد عدالت اجتماعی و با تأکید بر رویکرد انتقادی، سعی داریم به ماهیت فقر در سطح بلوک‌های شهری پی ببریم.

روش

تحلیل حاضر از نوع کاربردی است. با توجه به مؤلفه‌های در حال بررسی، از رویکرد کمی تحلیلی استفاده کرده‌ایم. جامعه آماری، در این پژوهش، شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۵ است. اطلاعات لازم را از بلوک‌های آماری در سال ۱۳۸۵ و از مرکز آمار ایران به دست

آورده‌ایم. بدین صورت که در نرم‌افزار Arc/GIS، Arc/View با استفاده از اطلاعات موجود در بانک اطلاعاتی، شاخص‌سازی را آغاز کردیم؛ سپس از شاخص‌ها خروجی گرفته و به محیط Excel انتقال دادیم. بعد از انجام مراحل فوق، شاخص‌ها را به محیط نرم‌افزار SPSS منتقل کرده و از طریق مدل تحلیل عاملی، ۳۳ شاخص را به ۴ عامل طبقه‌بندی کردیم. برای هر یک از عوامل، مقدار ویژه، درصد واریانس، واریانس جمعی و همچنین، ضریب اختلاف (شکاف برخورداری بین بلوک‌ها) را تبیین کردیم. با توجه به هر یک از عوامل استخراجی، بلوک‌های شهر در ۵ گروه بسیار مرفه، مرفه، متوسط، فقیر و بسیار فقیر قرار گرفت.

شاخص‌هایی برای سنجش فقر شهری			
شاخص‌های اجتماعی	شاخص‌های اقتصادی	شاخص‌های فرهنگی	شاخص‌های کالبدی
جوانی جمعیت	بار تکفل	نسبت باسوادی	تراکم جمعیت
میزان سال‌خوردگی	میزان بیکاری	میزان بی‌سوادی	تراکم واحد مسکونی
متوسط بعد خانوار	بیکاری مردان	میزان اشتغال به تحصیل	تراکم ناخالص مسکونی
	میزان فعالیت عمومی	میزان بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم	تراکم خالص مسکونی
	ضریب اشتغال	میزان باسوادی در بزرگ‌سالان	تراکم خانوار در واحد مسکونی
	بار تکفل ناخالص		تراکم مسکونی جمعیت
	ضریب تکفل		تراکم واحد مسکونی
	میزان اشتغال		تراکم نفر در واحد مسکونی
	بار تکفل خالص		
	بیکاری زنان		
	مشارکت اقتصادی		
	مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی		
	میزان سرباری		
	بار معیشت		
	بار جمعیتی (بار اقتصادی)		

بار جمعیتی؛ بار اقتصادی: نشان دهنده تعداد جمعیتی است که از نظر اقتصادی، به یک نفر از جمعیت فعال وابسته است. این شاخص، خود جمعیت فعال را نیز شامل می‌شود (تقوی، ۱۳۷۴).

$$\text{بار جمعیت} = \frac{\text{کل جمعیت}}{\text{جمعیت فعال (۱۵-۶۴)}}$$

یافته‌ها

بدین ترتیب، شاخص‌های بارگذاری شده در هر عامل که بیش‌تر از ۰/۵ است، یک عامل را تشکیل می‌دهد. شاخص‌هایی که امکان تجمع با این‌ها را ندارد، عامل دیگری را تشکیل می‌دهد. نتیجه، تقلیل ۳۳ شاخص به ۴ عامل بوده است. در جدول زیر، مقدار ویژه و واریانس هر یک از عوامل را ذکر کرده‌ایم.

جدول ۱. عامل‌ها، مقادیر ویژه، واریانس و ضریب اختلاف عامل‌ها در تحلیل داده‌های سال ۱۳۸۵

نام عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی	ضریب اختلاف
عامل اول	۱۵/۷۸	۴۷/۸۴	۴۷/۸۴	۳۸/۹۵
عامل دوم	۲/۹۹	۹/۰۷	۵۶/۹۱	۳۲/۹۶
عامل سوم	۲/۶۲	۷/۹۵	۶۴/۸۷	۴۱/۷۲
عامل چهارم	۱/۹۶	۵/۹۴	۷۰/۸۱	۳۸/۸۱

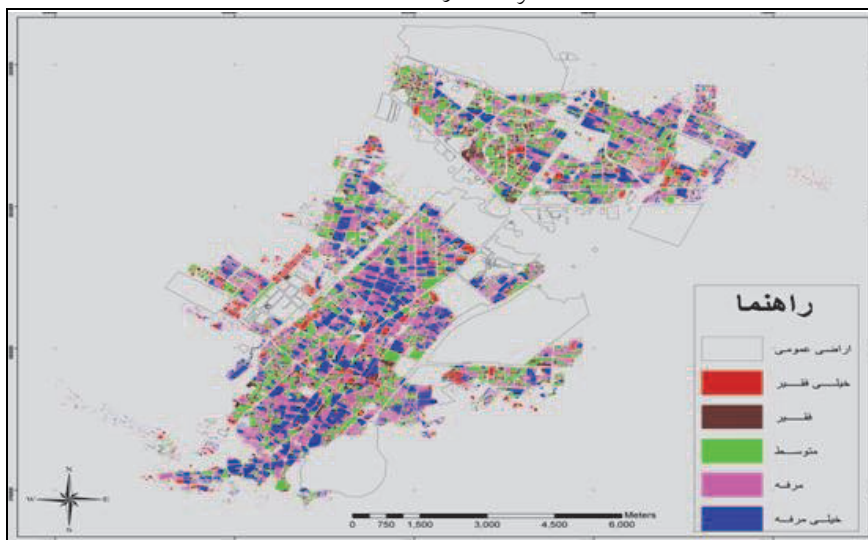
عامل اول: مقدار ویژه این عامل ۱۵/۷۸ است که به‌تنهایی، ۴۷/۸۴ درصد واریانس را محاسبه می‌کند و توضیح می‌دهد. در این عامل، ۱۷ شاخص بارگذاری شده است و بیش‌ترین تأثیر را در بین عوامل چهارگانه دارد. ضریب پراکندگی، در این عامل، ۳۸/۹۵ درصد است. در بین این شاخص‌ها، ۶ شاخص اقتصادی، ۴ شاخص کالبدی، ۴ شاخص فرهنگی و ۳ شاخص اجتماعی وجود دارد. پس این عامل را می‌توان عامل اقتصادی، کالبدی، فرهنگی و اجتماعی نامید.

جدول ۲. شاخص‌های بارگذاری شده در عامل اول

مقدار هم‌بستگی	متغیر	ردیف
۰/۷۹۳	میزان بی‌سوادی در جمعیت لازم‌التعلیم	۱
۰/۸۶۸	تراکم جمعیت در واحد مسکونی	۲
۰/۸۶۸	سرانه خالص مسکونی	۳
۰/۷۹۸	میزان سرباری	۴
۰/۸۴۲	نسبت باسوادی	۵
۰/۸۴۱	میزان فعالیت	۶
۰/۸۴۲	نسبت باسوادی در بزرگ‌سالان	۷
۰/۸۳۳	نسبت جوانی	۸
۰/۸۴۸	میزان فعالیت عمومی	۹
۰/۹۰۰	مشارکت اقتصادی	۱۰
۰/۸۶۹	تراکم خالص مسکونی	۱۱
۰/۶۴۲	بار معیشت	۱۲
۰/۸۲۲	تراکم نفر در واحد مسکونی	۱۳
۰/۶۴۲	ضریب اشتغال	۱۴
۰/۹۱۲	میزان اشتغال جمعیت	۱۵
۰/۷۶۶	میزان اشتغال به تحصیل	۱۶
۰/۸۲۰	ضریب تکفل	۱۷

توزیع پراکنش فقر شهری، از منظر عوامل اقتصادی، فرهنگی، کالبدی و اجتماعی در شهر کرمانشاه بدین ترتیب بوده است: ۱۴۴۸ بلوک معادل ۱۸ درصد بسیار فقیر، ۲۰۵ بلوک معادل ۳ درصد فقیر، ۲۵۲۴ بلوک معادل ۳۱ درصد متوسط، ۲۶۵۴ بلوک معادل ۳۲ درصد مرفه و ۱۲۹۸ معادل ۱۶ درصد بلوک‌های شهری جزء طبقه بسیار مرفه بوده‌اند.

نقشه ۱- پهنه‌بندی فقر در بلوک‌های شهری بر مبنای عوامل اقتصادی، فرهنگی، کالبدی و اجتماعی شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۵



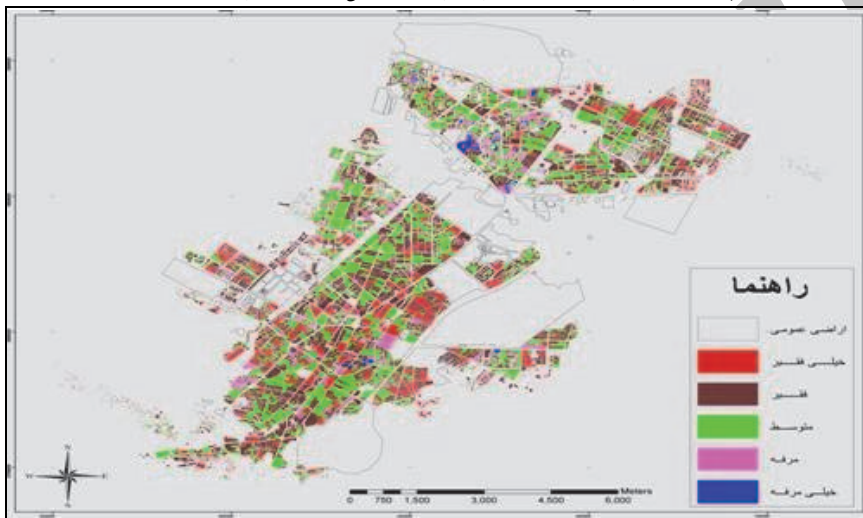
عامل دوم: مقدار ویژه این عامل ۲/۹۹ است که ۹/۰۷ درصد واریانس را توجیه می‌کند. ضریب پراکندگی در این عامل، ۳۲/۹۶ درصد است. در این عامل، ۴ شاخص بارگذاری شده که با شاخص‌های اقتصادی مرتبط است؛ لذا براساس شاخص‌های بارگذاری شده، این عامل را می‌توان عامل اقتصادی نامید.

جدول ۳. شاخص‌های بارگذاری شده در عامل دوم

هم‌بستگی	متغیر	ردیف
۰/۹۳۱	میزان بیکاری	۱
۰/۸۰۶	بیکاری مردان	۲
۰/۷۷۶	بیکاری زنان	۳
۰/۹۱۸	بار تکفل خالص	۴

پراکنش فضایی فقر، از نظر عامل اقتصادی، در سال ۱۳۸۵ و برای شهر کرمانشاه از این قرار بوده است: ۱۴۴۷ بلوک معادل ۱۸ درصد بسیار فقیر، ۲۳۳ بلوک معادل ۳ درصد فقیر، ۵۵۸۷ بلوک معادل ۶۹ درصد متوسط، ۷۴۸ بلوک معادل ۹ درصد مرفه و ۱۱۳ بلوک معادل ۱ درصد بسیار مرفه.

نقشه ۲- پهنه‌بندی فقر در بلوک‌های شهری بر مبنای عامل اقتصادی کرمانشاه در سال ۱۳۸۵



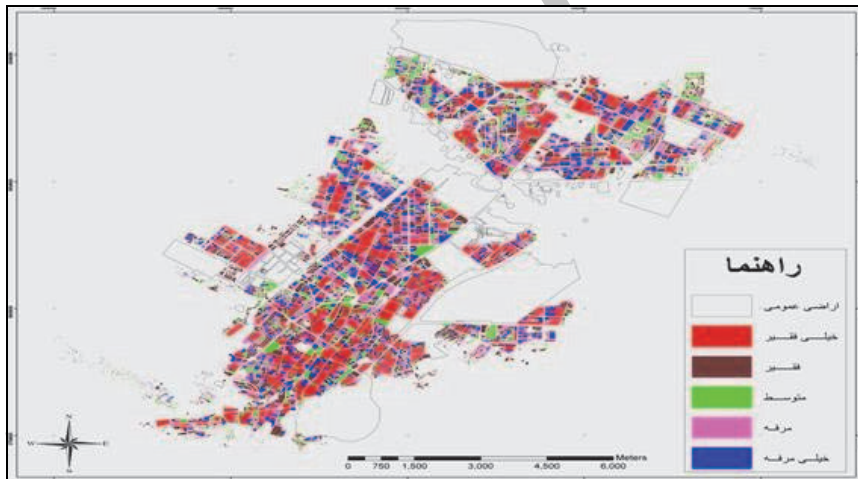
عامل سوم: مقدار ویژه این عامل ۲/۶۲ است که ۷/۹۵ درصد واریانس را تبیین می‌کند. ضریب اختلاف، در این عامل و بین بلوک‌های شهر ۳۲/۹۶ درصد است. این عامل را با توجه به ۴ شاخص بارگذاری شده در آن، می‌توان عامل اقتصادی کالبدی نامید. تجمیع شاخص‌های اقتصادی کالبدی بدین معناست که بین شاخص‌های اقتصادی و کالبدی رابطه معناداری برقرار است؛ یعنی بلوک‌هایی که از لحاظ شاخص‌های اقتصادی در سطح بالایی قرار دارند، از وضعیت کالبدی مطلوبی برخوردارند.

جدول ۴. شاخص‌های بارگذاری شده در عامل سوم

ردیف	متغیر	هم‌بستگی
۱	بار تکفل	۰/۸۲۰
۲	نسبت وابستگی (بار تکفل ناخالص)	۰/۸۲۰
۳	بار جمعیتی	۰/۷۹۳
۴	تراکم واحد مسکونی	-۰/۷۳۶

توزیع فقر، از لحاظ عوامل اقتصادی کالبدی، از این قرار است: ۸۴۱ بلوک معادل ۱۰ درصد بسیار فقیر، ۲۷۹۵ بلوک معادل ۳۴ درصد فقیر، ۱۸۷۰ بلوک معادل ۲۳ درصد متوسط، ۱۵۲۳ بلوک معادل ۱۹ درصد مرفه و ۱۰۹۹ بلوک معادل ۱۴ درصد بسیار مرفه.

نقشه ۳- پهنه‌بندی فقر در بلوک‌های شهری بر مبنای عوامل اقتصادی کالبدی کرمانشاه در سال ۱۳۸۵



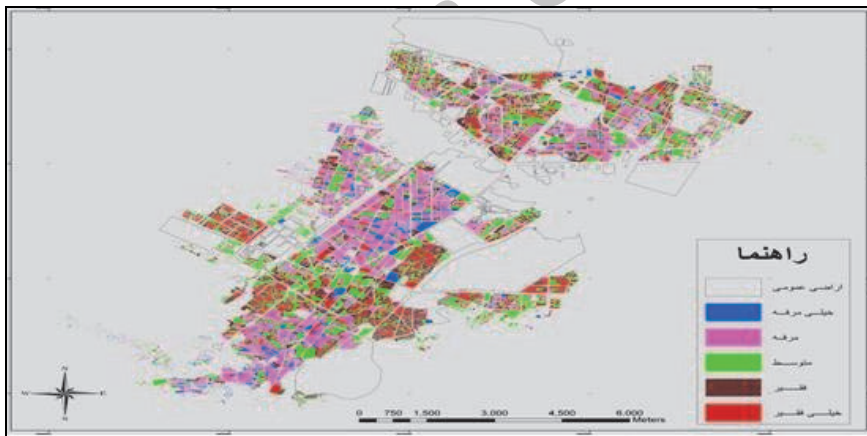
عامل چهارم: در این عامل، مقدار ویژه $1/96$ است که $5/94$ درصد واریانس را محاسبه می‌کند و توضیح می‌دهد. ضریب پراکندگی $38/81$ درصد است. ۲ شاخص در این عامل بارگذاری شده است که بر مبنای آن، می‌توان این عامل را عامل کالبدی نامید.

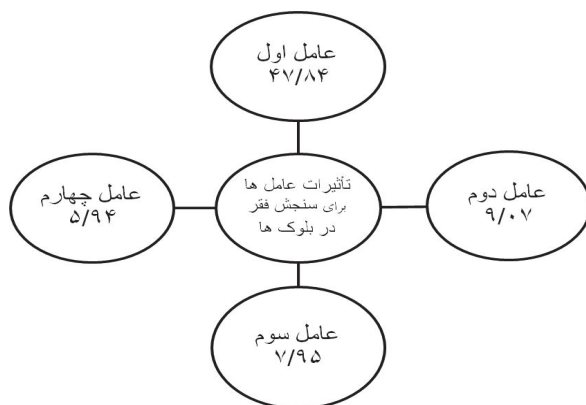
جدول ۵. شاخص‌های بارگذاری شده در عامل چهارم

ردیف	متغیر	هم‌بستگی
۱	تراکم خانوار در واحد مسکونی	۰/۸۶۶
۲	تراکم مسکونی جمعیت	۰/۸۶۶

از منظر عامل کالبدی، ۷۱۰ بلوک معادل ۹ درصد بسیار مرفه، ۲۶۸۲ بلوک معادل ۳۳ درصد مرفه، ۲۵۹۰ بلوک معادل ۳۲ درصد متوسط، ۱۲۹۶ بلوک معادل ۱۶ درصد فقیر و ۸۴۹ بلوک معادل ۱۰ درصد بسیار فقیرند.

نقشه ۴- پهنه‌بندی فقر در بلوک‌های شهری بر مبنای عامل کالبدی کرمانشاه در سال ۱۳۸۵



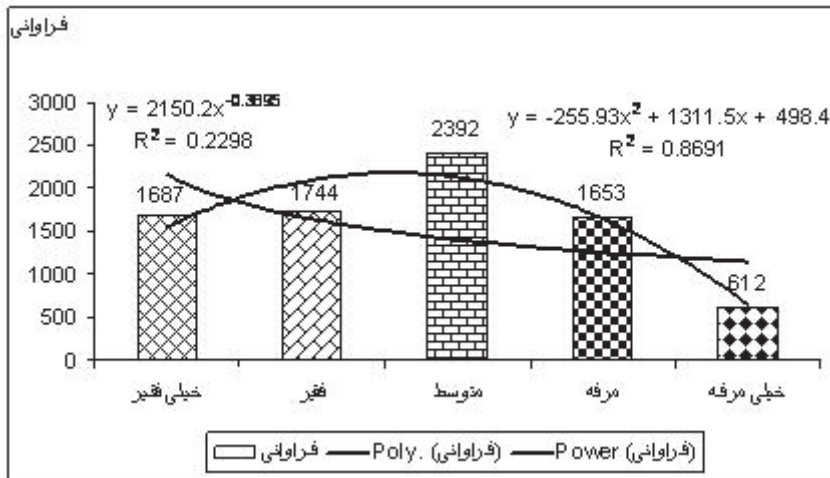


شکل ۱. نسبت تأثیر عامل‌های چهارگانه در سنجش فقر شهری در سال ۱۳۸۵

مجموع درصد واریانس، در ۴ عامل یاد شده، ۷۰/۸۱ درصد است. از این میزان، نزدیک به یک‌دوم آن، در عامل اول جمع شده است. این موضوع، نشان دهنده ارزش و اهمیت عامل اول در مقایسه با عامل‌های بعدی است.

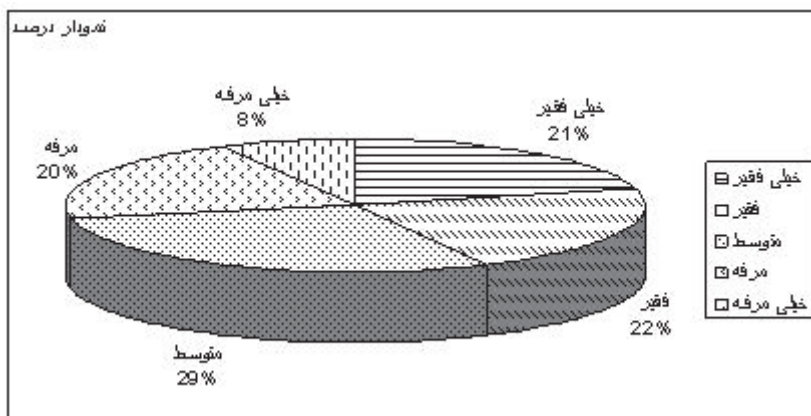
تلفیق عامل‌ها

با جمع‌بندی و تلفیق ۴ عامل فوق، نتایج زیر حاصل شد: ۶۱۲ بلوک معادل ۸ درصد بسیار مرفه، ۱۶۵۳ بلوک معادل ۲۰ درصد مرفه، ۲۳۹۲ بلوک معادل ۲۹ درصد متوسط، ۱۷۴۴ بلوک معادل ۲۲ درصد فقیر و ۱۶۸۷ بلوک معادل ۲۱ درصد در گروه بسیار فقیر جا گرفته‌اند. ضریب اختلاف ۴۴/۴۸ درصد است.



نمودار ۱. پراکنش فضایی از فقر شهری با تلفیق عوامل چهارگانه شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۵

با توجه به نمودار ۱، در بررسی توزیع فضایی فقر، به دست آمده ۰/۸۶۹۱ است. این رقم نشان می‌دهد ۸۶/۹۱ درصد تغییرات جامعه ناشی از عامل‌های در حال بررسی است. بدین معنا که ۸۶/۹۱ درصد از پراکندگی (تغییرات) Y (جامعه در حال بررسی) به وسیله متغیر X (شاخص‌های به کار رفته برای بررسی توزیع فضایی فقر) توجیه‌پذیر است؛ لذا ۱۳/۰۹ درصد از تغییرات Y تبیین نشده باقی می‌ماند و معلول عواملی است که در الگوی رگرسیون لحاظ نکرده‌اند.

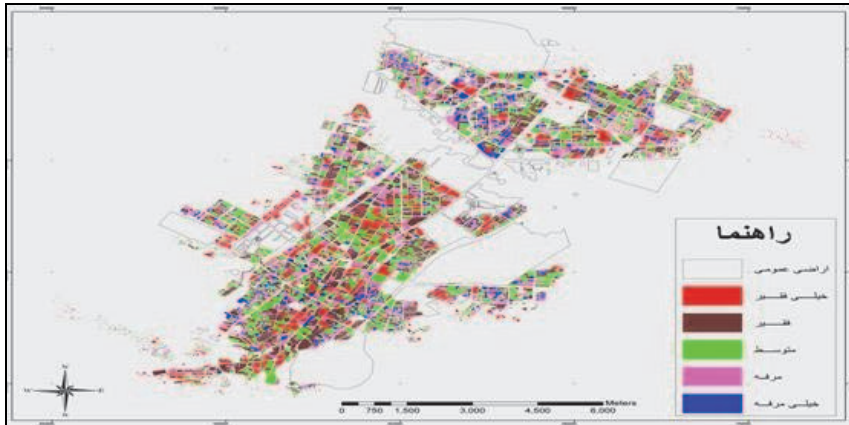


نمودار ۲. درصد پراکنش فضایی از فقر شهری با تلفیق عوامل چهارگانه شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۵

جدول ۶. بلوک‌های شهر کرمانشاه از منظر عامل تلفیقی در سال ۱۳۸۵

بسیار فقیر		فقر		متوسط		مرفه		بسیار مرفه	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۶۸۷	۲۱	۱۷۴۴	۲۲	۲۳۹۲	۲۹	۱۶۵۳	۲۰	۶۱۲	۸

نقشه ۵- پهنه‌بندی فقر در بلوک‌های شهری بر مبنای عوامل تلفیقی شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۵



بحث

در این مطالعه، به منظور بررسی توزیع فضایی فقر، از شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی استفاده کرده‌ایم. ضریب اختلاف نشان دهنده میزان پراکندگی متغیرها در بین بلوک‌های شهر است. هرچه میزان ضریب اختلاف بیش‌تر باشد، نابرابری و تضاد در جامعه بیش‌تر است. ضریب اختلاف در عامل اول (اقتصادی، کالبدی، فرهنگی و اجتماعی) ۳۸/۹۵ درصد است که دارای بیش‌ترین نابرابری در توزیع شاخص‌هاست. این موضوع نشان می‌دهد که فرصت‌های نابرابر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی، باعث تمایز بین ساکنان شهر کرمانشاه شده است. ضریب اختلاف در عامل‌های دوم (اقتصادی) و سوم (عامل اقتصادی کالبدی) ۳۲/۹۶ درصد است که در مقایسه با شاخص‌های دیگر متجانس‌ترند. همسانی این عوامل، گویای این است که رابطه‌ای متقابل بین شاخص‌های اقتصادی و کالبدی وجود دارد. عامل چهارم (کالبدی) نیز، از لحاظ نابرابری در توزیع شاخص‌ها، با ۳۸/۸۱ درصد در مرتبه دوم قرار دارد. توزیع فضایی فقر در سطح بلوک‌ها

این گونه بوده است: تعداد ۱۶۸۷ بلوک معادل (۲۱ درصد) بسیار فقیر، ۱۷۴۴ بلوک معادل ۲۲ درصد فقیر، ۲۳۹۲ بلوک معادل ۲۹ درصد متوسط، ۱۶۵۳ بلوک معادل ۲۰ درصد مرفه و ۶۱۲ بلوک معادل ۸ درصد بسیار مرفه. آمارهای فوق حاکی از آن است که در شهر کرمانشاه هم از نظر فیزیکی و هم از نظر اجتماعی فاصله زیادی بین ساکنین شهر وجود دارد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، بین بلوک‌های شهر کرمانشاه نابرابری وجود دارد؛ به طوری که مکانی برای تبلور تمایزات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است. فرصت‌های نابرابر اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی نیز باعث تمایز بین ساکنان شهر کرمانشاه شده است. حال پرسش بنیادی این است که چه نوع وضعیت اجتماعی اقتصادی سبب می‌شود ساختارهای نابرابر اجتماعی اقتصادی در شهر کرمانشاه شکل بگیرد؟ نابرابری اجتماعی اقتصادی در شهر کرمانشاه چگونه به وجود آمده و در مکان و فضای شهر تثبیت شده است؟

نابرابری زیاد در شهر کرمانشاه، طرح‌های توسعه آن را زشت و نارسا جلوه داده و در نتیجه، برای جامعه مفید نبوده است. به عقیده هاروی، تنها راه چاره، ایجاد عدالت اجتماعی در شهرها با تبیین و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای و توزیع عقلانی و منطقی ثروت است. برنامه‌ریزی مطلوب و انسانی، تنها با ایجاد تعادل اجتماعی و حاکمیت عدالت، در ساختار جامعه، به بازدهی مفید و ثمربخش می‌انجامد.

- افروغ، ع. (۱۳۷۷)، فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی و پیامدهای آن، تهران، سمت.
- ایراندوست، ک. (۱۳۸۷)، جایگاه بخش غیررسمی در توانمندسازی اجتماعات فقیر، مجله هفت شهر، سال ۱، ش ۲۳، ص ۴۹-۴۰.
- تقوایی، م. و قائد رحمتی، ص. (۱۳۸۵)، تحلیل شاخص‌های توسعه فرهنگی استان‌های کشور، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال ۴، ش ۷، ص ۱۳۲-۱۱۸.
- تقوی، ن. (۱۳۷۴)، مبانی جمعیت‌شناسی، تبریز، نیا.
- درکوش، ع. (۱۳۸۶)، درآمدی به اقتصاد شهری، تهران، نشر دانشگاهی.
- راغفر، ح. و ابراهیمی ز. (۱۳۸۶)، فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۸-۸۳ فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۶ (۲۴)، ص ۸۲-۵۵.
- راغفر، ح. و صانعی ل. (۱۳۸۹)، اندازه‌گیری آسیب‌پذیری خانوارها در مقابل فقر در شهر تهران: یک روش شناسایی خانوارهای محروم، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۱۰، ص ۴۲۷-۳۸۹. (۳۸).
- رفیعیان، م. و شاهین‌راد م. (۱۳۸۷)، راهبرد توسعه شهر در جهت تحقق برنامه‌ریزی توسعه شهری (با تأکید بر برنامه راهبردی شهر کرمان)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال ۶، ش ۴، ص ۲۹-۶.
- رئیس‌دانا، ف. (۱۳۷۹)، نقد روش در پدیده‌شناسی فقر، مجموعه مقالات فقر در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- شکوئی، ح. (۱۳۷۳)، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران، سمت.
- شکوئی، ح. (۱۳۷۸)، جغرافیای اجتماعی شهرها، اکولوژی اجتماعی شهر، تهران، جهاد دانشگاهی.
- شکوئی، ح. (۱۳۸۲)، اندیشه نو در فلسفه جغرافیا (فلسفه محیطی و مکتب‌های جغرافیایی)، ج ۲، تهران، گیتاشناسی.
- شکوئی، ح. (۱۳۸۶)، اندیشه نو در فلسفه جغرافیا (فلسفه محیطی و مکتب‌های جغرافیایی)، ج ۱، تهران، گیتاشناسی.
- صادقی، ح. و مسائلی الف. (۱۳۸۷)، رابطه رشد اقتصادی و توزیع درآمد با روند فقر در ایران با استفاده از رویکرد فازی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۷ (۲).

- عرب مازار، ع و حسینی نژاد م. (۱۳۸۳)، برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه‌های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۲، ش ۴۵. ص ۱۱۷-۱۱۳.
- علیزاده، ح، (۱۳۸۱)، فرهنگ خاص علوم سیاسی، تهران، روزنه.
- فراهانی فرد، س. (۱۳۸۴)، نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- فکوهی، ن. (۱۳۸۳)، انسان‌شناسی شهری، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آ، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی، (ترجمه منوچهر: صبوری)، تهران نی.
- مدنی، س. (۱۳۷۹)، آسیب‌ها، انحرافات اجتماعی و فقر در ایران، مجموعه مقالات فقر در ایران، تهران، انتشارات علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۸۵)، بلوک‌های آماری سال ۱۳۸۵.
- هادی زنونز، ب. (۱۳۷۹)، ارتباط فقر و نابرابری با سیاست‌های اقتصادی دولت، مجموعه مقالات فقر در ایران، تهران، دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- هاروی، د. (۱۳۷۶)، عدالت اجتماعی و شهر (ترجمه فرخ حسامیان و دیگران)، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- Duclos, J. and Araar A. (2006), **Poverty and Equity: Measurement, Policy and Estimation**, Springer.
- Jelin, K. and Picek M. (1984), **Physical and Psychological Factors determining Population responses to environment**, *Activ - nerv, Sup* Vol. 26, No.2.
- Masika, R. and Dehaan A. and Baden S.(2001), **Urbanisation and Urban Poverty: A Gender Analysis, Bridge**.
- Moser, C. and Gete M. and Cacia H. (1996), **Urban Poverty Research ModuleII: Indicators of Urban Poverty**, Washington D.C, Working Paper, No.5.